

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه قارعه

استاد ضرابی دیماه ۱۳۹۹

جلسه پنجم / ۹۹/۱۰/۵

آیات شریفه: «وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸) فَأُمُّهُ هَاوِيَّةٌ (۹) وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَّةُ (۱۰) نَارٍ حَامِيَّةٌ (۱۱) - و اما آنکه اعمالش وزن و ارزشی نداشته باشد (۸) او در آغوش و دامن هاویه خواهد بود (۹) و تو نمی دانی هاویه چیست (۱۰) آتشی است سوزنده (۱۱)»

عنوان: نکته محوری در هر سوره

گفته شد آخرین آیه از نظر محتوا با اولین آیه تطبیق می کند یعنی بدو و ختم کلام از نظر محتوا یکی است و هر سوره ای حول تفهیم یک نکته محوری می چرخد. القارعه در بدو کلام واقع شده و نار حامیه در ختم، برای هر دو « وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَّةُ » آمده است. یعنی خداوند که آن را آفریده می داند چه آثار و قابلیت هایی به آن بخشیده است، شما با عقل خود نمی توانید بفهمید. امام علی علیه السلام: «إِنَّهُمْ أَعْوَلُكُمْ فَإِنَّهُ مِنَ الثَّقَةِ بِهَا يَكُونُ الْخَطَاءُ - عقل خویش را زیر سؤال ببرید؛ زیرا از اعتماد به آن، خطاها سرچشمه می گیرد.» (غررالحکم، ح ۲۵۷۰)

آنچه را عقل در این امور می فهمد، پیروی از پروردگار است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عُدُوَّهُ فَعَصَاهُ وَ عَرَفَ دَارَ إِقَامَتِهِ فَاصْلَحَهَا وَ عَرَفَ سُرْعَةَ رَحِيلِهِ فَتَزَوَّدَ لَهَا - بدانید که عاقل ترین مردم کسی است که پروردگارش را بشناسد و از او پیروی کند، دشمنان خدا را بشناسد و از آنان نافرمانی کند، جایگاه ابدی خود را بشناسد و آن

را آباد کند و بداند به زودی به آنجا سفر خواهد کرد و برای آن، توشه بردارد.»
(اعلام الدین، ص ۳۳۷).

در کارخانه ای که ره عقل و فضل نیست فهم ضعیف رای فضولی چرا کند
گر رنج پیش آید و ور راحت ای حکیم نسبت مکن بغیر که اینها خدا کند

عنوان: امتداد اعمال از ملک تا ملکوت

«وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ * فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ»: گفته شد «موازين» به آنچه منشأ صدور اعمال از انسان است، یعنی ملاک‌ها و میزانها تصریح دارد (اعمال، خلقیات، باورها)؛ این ملاک‌ها و میزانها از جهت ارزشی هر چه حقیرتر و کم بهاتر باشند او را به شقاوت نزدیکتر می‌کنند. امام حسین (علیه‌السلام) فرمود: «لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ - عقل، جز با پیروی از حق، کامل نمی‌شود.» (اعلام الدین، ص ۲۹۸)

در دنیا در مقابل حیات طیبیه یعنی همان هستی پاک و بی‌آلایش مؤمنانه، آنان که خود را از پستی‌ها و پلیدیها حفظ نمی‌کنند، قرار دارند، امام علی (علیه‌السلام): «أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ - قربانگاه عقلا غالباً در پرتو طمعها است.» (نهج البلاغه، ص ۵۰۷)

هر دو گروه فرصتی دارند تا به انتخاب قطعی خود که بر آن اصرار دارند، برسند و همان‌گونه که نطفه‌ای بسیار کوچک در مسیر رشد و تکامل خود به حیوان یا انسانی با اراده و شعور تبدیل می‌شود، خوب و بد در وجود انسانها نیز در مسیر تکامل خود آنقدر عظیم و بزرگ می‌شوند که سر از آسمان ملکوت در می‌آورند تا در عرصه لایتنهای آخرت بار نیکی و پلیدی خود را در نهایت کمال عرضه کنند، به صورتی که با اراده و شعور خاصی آنچه در درون خود پرورانده‌اند را با شفافیت و وضوح کامل در روشن‌ترین شکل ببینند؛ و باطن زشت و کریه خود را در وحشتناک‌ترین وضعیت خود بروز می‌دهند و این طور نیست که تنها در آتش بیفتند؛ بلکه آتش جوهره، امّ، ریشه، جنس و اصل همه

آنهاست (فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ) ، آتشی که به دنبال طعمه خود یعنی گناه و گناهکاران می‌گردد، سیری ندارد و « هل من مزید » می‌گوید.

هر که او بنهاد ناخوش سنتی	سوی او نفرین رود هر ساعتی
نیکوان رفتند و سنتها بماند	وز لئیمان ظلم و لعنتها بماند
تا قیامت هرکه جنس آن بدان	در وجود آید بود رویش بدان
آنچ از دریا به دریا می‌رود	از همانجا کامد آنجا می‌رود

عنوان :راز اتحاد با حمیم و حامیه

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَّةَ * نَارٍ حَامِيَّةٍ»: ریشه و سبب اصلی این فرجام شوم برای آنان که به « نار حامیه » دچار شدند محبت و علاقه‌ای بود که به دنیا پیدا کردند . ارباب لغت، «حمیم» را از ماده «حَمَّ» که به معنای حرارت است دانسته اند (مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۵۴)، و به خویشاوند مهربان حمیم گفته‌اند: امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا قسم، روز قیامت ما شیعیان خود را چنان شفاعت کنیم که صدای منحرفان بلند شود: «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ- شعراء/ ۱۰۱»

در قرآن می‌خوانیم : « قل إن كان آباءكم أبناءكم و إخوانكم و أزواجكم و عشیرتکم و أموال اقترفتموها و تجارة تخشون کسادها و مساکن ترضونها احبَّ الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبيله فتربصوا حتی یأتی الله بأمره و الله لا یهدی القوم الفاسقین - بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید درنظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب تر است در انتظار این باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند و خداوند جمعیت فاسق را هدایت نمی‌کند.» (توبه/۲۴) «ای کسانی که ایمان آورده اید یهود و نصاری را دوست خود قرار ندهید آنها اولیای یکدیگرند و کسانی از شما که با آنان دوستی کنند از آنها خواهند بود، خداوند جمعیت ستم کار را دوست ندارد.» (مائده/۵۱)

مرغ اندر دام دانه کی خورد دانه چون زهرست در دام ار چرد

مرغ غافل می خورد دانه ز دام همچو اندر دام دنیا این عوام

اتحاد معجزه محبت عنوان :

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا عَلَى أَعْمَالِهِمْ حُسْرَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي زُمْرَتِهِمْ ، فَحُوسِبَ بِحَسَابِهِمْ وَإِنْ لَمْ يَعْمَلْ أَعْمَالَهُمْ - هرکس مردمی را به سبب کردارشان دوست بدارد ، روز قیامت ، جزو آنان گرد خواهد آمد و مانند آنان محاسبه خواهد شد ؛ اگرچه کردارش چون کردار آنان نباشد. » (کنز العمال، ۲۱/۹/۲۴۷۳۰) و نیز فرمود: « مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا أَكْثَرَ ذِكْرَهُ - هرکس چیزی را دوست بدارد ، از آن ، بسیار یاد می کند. » (کنز العمال/ج ۱ ص ۲۵) و « مَنْ أَحَبَّ حَجْرًا حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ - اگر سنگی را دوست داشته باشد خداوند او را با آن [سنگ] محشور خواهد کرد. » (بحار، ج ۳۶، ص ۳۲۵) و این نظام عادلانه ای است که خداوند آن را در باره ستمکاران این چنین وصف نموده است : «وَمَا ظَلَمْنَا هُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادَ هُمْ مِنْ غَيْرِ تَتَابَعٍ - ما به آن ها ستم نکرده ایم بلکه آنها خودشان بر خویشان ستم روا داشته اند و هنگامی که فرمان مجازات الهی رسید، معبودان غیر خدایی که عبادت می کنند به یاری آنان نخواهند شتافت و جز بر هلاکت آنان نیفزایند. » (هود / ۱۰۱)

دل چو بی یاد خدا شد نیست دل گوریست سرد

ای عزیزان! این شمارا واپسین پندست و بس

هرکجا باشید دل را با خدا دارید خوش

نور باران دل از یاد خداوند است و بس

عنوان : چرا مراقب دلهای خود نیستیم؟

علاقه به زندگی دنیا سبب افساد عقل، و مشغولیت قلب و روح می‌شود: «حب الدنيا يفسد العقل و يصم القلب عن سماع الحكمة- دنیا دوستی، عقل را فاسد و قلب را مهموم و مشغول می‌سازد.» (میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۹۵)

از امام زمان نقل شده است که موسی(ع) در مناجات خود با پروردگار عرض کرد: «پروردگار! من قلب خود را از غیر تو پاک کردم و محبتم را خالصانه برای تو قرار دادم از آن جایی که موسی(ع) به خانواده اش علاقه ی شدید داشت، خطاب رسید که «اخلع نعلیک - یعنی حب اهلت را از قلب خود بیرون کن تا محبت تو خالصانه برای من باشد.» (میزان الحکمة، ج ۲، ص ۲۱۳)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: « لا يَمَحُضُ رَجُلٌ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَأَبِيهِ وَأُمِّهِ وَوَلَدِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ وَمِنْ النَّاسِ كُلِّهِمْ - برای انسان مؤمن، ایمان کامل نمی شود تا این که در نظر او خداوند از [همه چیز یعنی] خود، پدر، مادر، فرزندان، خویشان، دارایی[هایش] و همه مردم محبوب تر باشد.» (میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۹۶)

اگر دنیا در نظر انسان به گونه ای جلوه کند که او را شیفته ی خود سازد و از ذکر خدا باز دارد، دیگر محبت الهی خالص نخواهد بود و این همان «شرک در محبت است» که به شدت مورد نهی الهی قرار گرفته است.

زنده شو این مردگی از خود ببر گرم شو افسردگی از خود ببر

آتشی از عشق او در دل فروز خرمن تقلید را یکسر بسوز